

اهمیت شهادت در گسترش عدالت مدنی و خزائی

شهادت در زمره اسناد مدار اعتبار

یافته های من از لابلای احکام قوانین

پیوست به گذشته

قسمت دوم

اگر پذیرفته شود که شهادت برای شاهد حق است . پس با حق بودن شهادت - شاهد با صلاحیت کامل در اعمال حق خود مختار بوده - و مجبور به ادای آن نمی گردد و میتواند از ادای شهادت ابا و رزد و اگر شهادت را تکلیف قبول کنیم در نیتش شاهد تابع تصمیم دادگاه بوده میشود در زمان ضرورت تحت جلب و احضار قرار گرفته مکلف به حضور و ادای شهادت شود . علمای فقه در مطالب فوق اختلاف نظر داشته : فقهای اهل تشیع شهادت را تکلیف می دانند و ادای شهادت را واجب (محقق حلی ۱۳۷۲ ج ۴ ص ۱۳۸) . (ولی تعداد از علما موافق بر آنند که شهادت واجب کفائی است) از جمله محمد حسن نجفی . محقق حلی ، فخر المحققین ، محقق اردبیلی ، امام خمینی (و عده هم برین نظراند : اگر شاهد به تحمل شهادت فرا خوانده شود ادای آن واجب و در عکس آن واجب نیست . (نحفی ۱۳۶۸ ج ۱ ص ۱۸۳ همانطوریکه در مقدمه این نوشته طور مؤجز و مختصر عرضه شد شهادت با داشتن صبغه شرعی و قانونی منحیث دلیل اثبات در پهلوی دیگر اسناد . مسجل در قانون در بساط دعاوی مدنی و جزائی کار برد با اعتباری دارد

سابقه تاریخی شهادت

همانطوریکه تاریخ حقوق شاهد است : شهادت در منازعات و دعاوی حقوقی منحیث ادله معتبر و با اهمیت در درازای تاریخ جایگاه بسیار کهن و سابقه داشته و اغلبین اولین طریقه اثبات دعاوی شمرده میشود

نحوه بررسی شخصیت شاهد و شهادت آن

در مجموع ابتدا قبول شخصیت شاهد قبل از اظهارات و ادای شهادت طرف توجه قرار داشته و بعدن نفس و ماهیت اظهارات و شهادتیکه ادا شده و یا ادا می شود بررسی و آنگاه جهت دیگری شاهد و انگیزه های ادای شهادت بررسی و باز یابی میگردد . به همین روال زمانیکه شاهد - صلاحیت ادای شهادت یافته عمل شهادت انجام یابد آنگاه اصل پذیرش شهادت ادا شده - با چگونگی ادای آن از صلاحیت مفوضه دادگاه و صاحب صلاحیت آن است - بررسی اصل پذیرش و عدم پذیرش ادا شهادت ادا شده موضوع مجزای دیگریست که به شهود و نحوه ادای شهادت مرتبط نیست . پذیرش شهادت ادا شده و یا رد آن با چشم انداز اعتبار اسنادی آن - از صلاحیت حاکم شرع و صلاحیت دار شرعی . و قانونی آن است . همانطوریکه در ادای شهادت به پیشگاه قضا شخصیت شاهد از نگاه ، سلامت عقل ، بلوغ ، عدالت و ایماندار ی بررسی میشود شرایط بارز دیگر نیز در پذیرش این اصل مهم در صفحات فیصله های حقوقی و محاکماتی با پروسیجر خاص قضائی رعایت میگردد که دادگاه و قاضی مکلفیت رعایت آنرا عهده دار اند زیرا محکمه به مجردیکه علم در عدم عدالت و صفات سوء شهود و شهادت ادا شده - و یا در کاربرد منافع شخصی شاهد در شهادت ارائه شده آگاهی حاصل کند و یا موجودیت کینه و عداوت شاهد را با جانب مقابل درک نماید آنگاه شخص شاهد و شهادت ادا شده قابل پذیرش نبوده موجب رد است . پس ادای عمل شهادت با کم و کیف ادای آن مربوط شهود - و جوهر قبول - یعنی قبول شخصیت شاهد ، تجویز ادای شهادت ، پذیرش آنچه شاهد ادا و شهادت داده است بمنظور تأمین عدالت قضائی مربوط مرجع صلاحیت دار شرعی و قانونی در ساحة مدنی و کیفری آن است . بیاد باید داشت که ادای شهادت در گستره تکمیل یک پرونده حقوقی و یا جزائی صفحات مختلفی را پشت سر می گذارد . استماع داشته های شهود (شهادت شهود) در مراحل مختلف برای راه یافتن به حقیقت و تأمین عدالت جزائی و حقوقی موافق به اوامر قانونی مانعی ندارد - میشود در صفحات تحقیق اظهارات شهود شامل پرونده استماع و در صورتیکه کیفیت شهادت ایجاب نماید به محکمه مربوط توثیق گردد .

همانطوریکه در بالا اشاراتی صورت گرفت - طرز العمل و نحوه پذیرش و ردّ شهود و یا قبول و ردّ شهادت ادا شده در روشنی احکام شریعت و هدایت احکام قانون - اجرائات خاص و عملکرد ویژه می طلبد

چون حفاظت و حراست از احکام قانون و حقوق جامعه توأم با حفاظت حقوق افراد آن از تعرض جنایت کاران و حفاظت نظام حقوقی کشور از اخلاص و تعرض افراد به حقوق مدنی یکدیگر از وظایف ارگانهای حراست حقوق و قانون و دادگاههای عدالت جزائی و حقوقی پنداشته میشود ، طبعاً به کار گیری و پیاده نمودن احکام قوانین به مفهوم واقعی آن و ضرورت استماع اظهارات و شهادت شهود به منظور گسترش عدالت جزائی و حقوقی نیز تحت کنترل قانون و عمل آن بدوش ارگانهای نامبرده است ، نادیده انگاشتن احکام قوانین و سرکشی از آن و سیله هر فردی از افراد جامعه و مراجع مختلف دولتی و غیر دولتی جرم پنداشته میشود، حفاظت از قوانین و بررسی تخلفات و سرکشی از احکام قوانین در دایره صلاحیت ارگانهای یاد شده (ارگانهای حراست حقوق و قانون) بوده و پاسداری از احکام قوانین وظیفه آنهاست - کشف و تحقیق و تدقیق و بررسی همه جانبه چنین کجروی ها و خیانت به حقوق افراد جامعه از ساحه کشف و تحقیق تا صفحات محاکمه به حیطة و تسلط ادارات متذکره بوده - ارگانهای یادشده منحیث مدافعین حقوق جامعه افراد قانون شکن و بازیگران با سر نوشت جامعه را که قهر و خشم قانون را بر انگیزند برای عدالت گستری جهت جمع آوری شواهد و دلایلیکه منتج به نتیجه قانون پسند گردد اقدام ورزند

سخن کوتاه اینکه ارگانهای حراست حقوق زمانی می توانند به طور واقعی حافظ منافع عامه و حقوق افراد جامعه باشند: که واقع بینی و امانت داری را در راه تطبیق قانون تا سر حد اثبات اتهامات وارده بر متهمین و یا ردّ اتهامات آنها تا سرحدّ تبرئه با توجه به رعایت احکام دقیق قوانین و حقوق متهم با رعایت عدالت جزائی و مدنی در اجرائات خود مطمح نظر داشته و در اثبات اتهام وارده بر متهمین و اعاده حقوق مظلوم از ظالم - راست کاری و راست نگری را پیشه سازند. درصورت این اجرائات می تواند طریقه بهتر برای ایجاد تأمین عدالت جزائی و حقوقی گردد

باور کامل داشته باشیم که تطبیق سالم احکام قوانین در جهت تأمین عدالت جزائی و مدنی باور جامعه را نیز کامل و تقویه می دارد. این است که بکار گیری اسناد ، تطبیق و اجرای احکام قانون ما را در راه رسیدن به اهداف قانونی و ایجاد عدالت واقعی رهنمائی و کمک می کند بر پایه آنچه تذکر یافت شهادت شهود نیز می تواند ادارات یاد شده را در هر مرحله ازین پروسه منحیث سند قبول شده قانونی یاری رساند . میدانیم اظهارات شهود در وقوع جرایم و یا شهادت سمعی و بصری شهود که بر بنیاد قوانین نافذ در زمره ادله قابل استناد شمارش شده است در هر مرحله از اجرائات در قضایای جزائی و دوران دعوی مدنی تا مرحله صدور حکم کمک به سزائی در حل قضایا می کند. در حقیقت این اسنادیکه طرف تأیید قانون قرار گرفته اند دلایل قابل استناد برای تأمین عدالت جزائی و حقوقی بوده و مشروعیت استنادی دارند

زمانیکه این اسناد با نحوه مشخصه قانونی آن مورد استفاده و استناد قرار داده شوند چنین اجرائات اهداف نهائی قوانین را بر آورده خواهد ساخت - ایمانداری به این طرز نگرش و عمل از صفحات ابتدائی کشف و تحقیق تا صفحات محاکمه و صدور حکم - بی تردید راهگشای تأمین عدالت حقوقی و جزائی می گردند

در کشور ما افغانستان هدایات قانون اجرائات جزائی در بکار گیری کشف جرایم ، تحقیق و چگونگی اجرائات و انجام آن ، راه و روش جمع آوری اسناد و تنظیم آن ، اظهارات متهم و چگونگی اعتبار آن ، طرز و طریق استماع و اخذ اظهارات شهود بمنظور حقیقت یابی و تأمین عدالت جزائی در سطح کشف و تحقیق در پهلوی دیگر قوانین جای کلیدی داشته است

ببینید قانون اجرائات جزائی (قواعد، مقررات و روشهای قبول شده ایکه مراحل کشف جرم ، تحقیق ، تعقیب ، محاکمه و تطبیق احکام محاکم را پیش بینی نموده حقوق متهمین و محکومین را در راه اجرای عدالت جزائی تضمین می کند) بنام اصول محاکمات جزائی شناخته میشود. بر بنیاد همین مفاهیم - چون بناء و اساس پرونده های جزائی از همان آغازین کار از صفحه کشف و تحقیق تا تطبیق و تنفیذ احکام صادره که بر رسی جرایم را احتوا می نماید در روشنائی اصول محاکمات جزائی انجام می یابد طبعاً در راستای اجرای این پروسه حقوق متهمین و متضررین زیاده تر متبازر و قابل دید است پس با رعایت تطبیق یکسان احکام قوانین و رعایت تأمین عدالت جزائی بایست حقوق هر دو جانب قضایا در این روند کاری منحیث حقوق قانونی آنها حفظ و حراست گردد

چگونگی استجواب شهود

قانون اجرائات جزائی (جدید) افغانستان سال گذشته توسط هردو مجلس شورای ملی بعد از یک سال کار و بحث در کمیسیون های مختلف اخیر در چهار باب ، ۴۶ فصل و ۳۸۲ ماده تصویب گردید

ولی جنجال بالای ماده ۲۶ این قانون مدتها طول کشید و نگرانی های فعالان مدنی داخلی و بین المللی را بدنبال داشت ثقلت بحث و گفتگو بالای محتوای این ماده دایربر استجواب و یا عدم استجواب شهود وسیله مراجع قانونی بود. توجه فرمائید ماده متذکره این احکام را بخود جاداده است قانون اجرائات جزائی در ماده ۲۶ خود افرادی را فهرست کرده است که نمی توانند به عنوان شاهد از سوی مراجع قانونی مورد «استجواب» قرار گیرند نص صریح در ذیل مطالعه فرمائید

مسأله شهادت

ماده ۲۶

الف: اشخاص ذیل را نمیتوان به عنوان شاهد مورد استجواب قرار داد

- شخصیکه با ادا شهادت مسئولیت قانونی وی مبنی بر عدم فاش ساختن اسرار اداره مندرج قوانین نافذه نقض گردد، مگر اینکه به مقام مربوط ۱ اجازه داده شود

- وکیل مدافع ۲

- شریک جرم در صورتیکه رسیدگی قضیه مورد اتهام آنها بصورت مشترک جریان داشته باشد ۳

- اقارب متهم ۴

- مشاور حقوقی، دکتر معالج ، اهل خبره ، روانپزشک و یا خبر نگاریکه مکلف به حفظ محرمانه معلوماتی باشندکه در زمان انجام وظیفه و تماس ۵ با مؤکل و یا گزارشگر شان بدست می آورند ، مگر اینکه محکمه مسئولیت آنها را مرفوع سازد-

۶- طفل غیر ممیز که نظر به سن و مرحله ذهنی، قادر به درک معنی حق انکار از شهادت نباشد
- شخصیکه فاقد اهلیت شهادت باشد ۷

ب: مامور ثبت اسناد، قضائی، دادگستری و محکمه مکلف اند اشخاص مندرج در فقره (۱) این ماده را از حق عدم ارائه جواب (حق سکوت) مطلع نمایند.

ج: محکمه می تواند به پیشنهاد یکی از طرفین، در صورت موجودیت دلایل موجهی بر اینکه شهادت در تثبیت جرم یا بی گناهی شخص مظنون یا متهم اهمیت داشته و یا منفعت اجتماعی آن نسبت به حفظ حریمت بیشتر باشد، مسئولیت حفظ اسرار مسلکی از این امر مبرا نماید.
«در این صورت محکمه می تواند شهادت شاهد را در اتاق مخصوص و در صورت ضرورت، بدون حضور طرفین بشنود
از ماده مذکور استنباط میشود که اگر شخصی مرتکب جرمی شود و یکی از اقارب وی شاهد صحنه جرم باشد، برایش حق داده شده است تا به نهاد های عدلی و قضائی شهادت ندهد، ولی در فقره سوم ماده مذکور توضیح بیشتر داده شده که اگر یکی از طرفین پیشنهاد نماید، محکمه شهادت شان را بدون حضور طرفین باید بشنود
نکته دیگر ذکر کلمه «اقارب متهم» است که قانون گذار روشن نکرده که چه کسانی شامل تعریف «اقارب متهم» می شوند

قانون اجرائات جزائی قبلی

اگر نیک دیده شود قانون اجرائات جزائی سال ۱۳۴۴ افغانستان قانون کارآمد و نسبتن جامعی بود زیرا قانون متذکره موضوع استجواب شاهد را به گونه دیگری تعریف کرده است. ببینید

ماده ۲۳۷ چنین هدایت دارد

زوج و زوجه در همه احوال می توانند از ادای شهادت علیه همدیگر امتناع ورزند و لو که ازدواج بین شان قطع شده باشد، اصول و فروع و اقارب متهم و خویشاوندان او تا درجه دوم می توانند از ادای شهادت علیه متهم، امتناع نمایند. مشروط بر اینکه جرم منسوب به متهم علیه شاهد یا یکی از اقارب یا خویشاوندان نزدیک او نباشد

می بینیم درین قانون اقارب متهم درجه بندی گردیده و تصریح شده است که اگر در پرونده ای دلایل کافیی الزام به محکومیت یا تبرئه شخص، بجز از شهادت اقارب وجود نداشته باشد، دادستانی و یا محکمه می تواند شاهد و یا شاهدان را جهت استماع شهادت جلب و احضار نمایند و در صورت عدم حضور و ادای شهادت در دادگاه، مطابق ماده (۸۳) به حبس کمتر از دو ماه و یا جریمه نقدی محکوم به مجازات می شدند

اگر بملاحظه احکام یاد شده قبول کنیم شوهری به خانم و اقارب خویش یا عکس فرضیه خانمی به شوهر و اقارب خود ضرری جانی و مالی عاید نمایند که این اضرار ماهیت جرمی داشته و اقارب متهم موضوع را ساکت گذارند و حاضر به شهادت نشوند و اثبات و عدم اثبات جرم هم منوط به داشته های شهود باشد چه باید کرد؟ درینصورت تکلیف مراجع قانونی و ارگانهای حراست حقوق در پرتو احکام قانون چه بوده و مجرم به استناد کدام سندی تبرئه و یا مجازات شود؟

بر باور من: مدلل به آنچه از نظر گذشت قانون اجرائات جزائی سابقه از نظر سهولت در کار، صراحت احکام و شرایط بخصوص جامعه ما گوارا تر و پُر بارتر در راه تأمین عدالت مدنی و جزائی خواهد بود

=== باقی دارد

خواننده عزیز توجه فرمائید!

در بخش های بعدی : این نبشته در می یابید که عقد نکاح چه وقت موافق به اوامر قانونی و مکلفیت های شهود در امر اجرای عقد نکاح چه است؟

شما در جریان بخش های بعدی خواهید دید که نحوه اجرای عقد نکاح صحیح و قانونی به چه منوال و مکلفیت های اجرا کننده عقد نکاح چه است؟

شما در جریان نوشته های بعدی پی می برید که توسط شهادت شهود چطور اسناد رسمی جعل و ملکیت ها و اموال مردم در داخل افغانستان به فروش می رسد و چندین دست انتقال ملکیت به میان می آید.

=====